

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

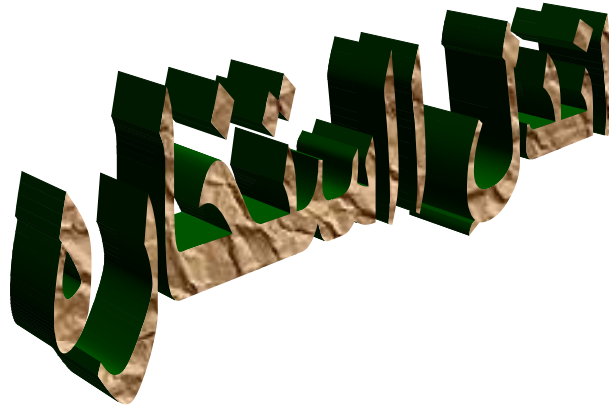
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۲۲ فیروزی ۲۰۱۰



دیدي که صبغت الله ، ماسکو روان شد آخر
راز نهفته او ، اینک عیان شد آخر
در زینه طیاره ، یک لنگه و دولنگه
باقامت خمیده ، نرمک دوان شد آخر
طیاره تا بلند شد ، بر آسمان کابل
(صبغت) به استخاره اندل زنان شد آخر
چالان شد استخاره ، در داخل طیاره
با سرعت عجیبی ، هرسو پران شد آخر
انجام استخاره ، اندر فضای ماسکو
گردید و رنگ صبغت ، چون زعفران شد آخر

بنشست تا به میدان ، طیاره جنابش
با دشمنان میهن ، بس مهربان شد آخر
خارج شد از طیاره ، با ورد استخاره
با ناز و با کرشمه ، چشمش چران شد آخر
لرزاند حضرتش را ، سرد هوای ماسکو
چون برگ خشک لرزان اندر خزان شد آخر
تب آمدی سراغش گه (سی و نه) ، (گهی چل)
با سرفه ها و تخ تخ ، عطسه کنان شد آخر
بالنگی و عبا و ، تسبیح و با عصایش
هم دزد و هم نگهبان ، هم کاروان شد آخر
آمد که درس تازه ، گیرد ز بی خدایان
افسانه دجال و ختم زمان شد آخر
ظاهر به مثل رحمان ، باطن بسان شیطان
این دوزخی دوران ، از تاجران شد آخر
برگشت حضرتش با ، ویروس خوک روسی
فلم نو سیاست ، عالم نشان شد آخر
باید که تست خوکی میکرد ، صبغت الله
اما چه میتوان کرد ، مانع آن شد آخر
عالی نمایشی بود ، در شرق و غرب عالم
ترقانک قسم ها ، با یک زبان شد آخر
یکسو (فهیم جانی) ، سوی دگر (خلیلی)
(کرزی) وسط ستاده ، تحلیفکان شد آخر
این سه تگای جانی ، بدماش های زانی
با زور استخاره ، هریک جوان شد آخر
در ختم آن مراسم ، بوسید ، کرزی "ما"
خونین دست صبغت ، تا مهربان شد آخر
بالآخره ، نتیجه ، با زور استخاره
کرزی ، رئیس جمهور ، بی پیشکان شد آخر
اما ، وفانکردی ، کرزی برای صبغت

بیچاره ناامید از ، پیر و جوان شد آخر
گفتند ! رو ، دعا کن ، حاجات ما روا کن
هم استخاره ها کن ، رسم زمان شد آخر
این گرگ کله خیره ، با فکر تار و تیره
روباه موش چهره ، ننگ جهان شد آخر
پیر شواب دیده ، مست شراب دیده
چون مرغ خواب دیده ، بر آسمان شد آخر
با خشم و قهر گفتا ، من رهبر و رئیس
نه چلی و نه ملا ، تند زبان شد آخر
آنچه نهان ، عیان کرد ، راز همه بیان کرد
شکوه ازین و آن کرد ، اسپش دوان شد آخر
گفتا که استعفایم تقدیم تان ، از الان
تُف کرد بر زمین و ، از پیروان شد آخر
قانونی اش ز یکسو ، کرزی ز سوی دیگر
پوزخند کرده گفتند ، خیلی گران شد آخر
این سازک سیاسی ، بازار می ندارد
دزد ، به کاروانی ، گر پاسبان شد آخر
تُف را دوباره لیسید ، با بازی سیاسی
این زور استخاره ، عالم نشان شد آخر
ای کاش استعفا را ، واپس نمی گرفتی
یعنی که گور تنگش ، آتشفشان شد آخر
« نعمت » ! سنا و شورا ، دارند استخاره
مرغ کلنگی شان ، چون ماکیان شد آخر

توضیح چند لغت:

– کلمه "هندل" که اصلاً انگریزی میباشد، در تداول کابلیان بشکل "اندل" تلفظ می گردد.
– "ترقانک قسم ها" مراد از "قسم ترقانک ها" است. "قسم ترقانک" اصطلاح کابلی و در
معنای "قسم دادن شدید" است.